

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۴۵

جمعه ۲ اسفند ۱۳۹۲، ۲۱ فوریه ۲۰۱۴

یادداشتهای هفته

حمید تقوایی

اقتصاد مافیائی با علامت تجاری
"مرگ بر آمریکا!"

سوریه و موقعیت باخت باخت جمهوری اسلامی!

شاهان کبیر و فاتحین خونخوار!

صفحه ۶

علم، تکنولوژی و

چشم انداز حذف کار - ۲

عباس گویا

صفحه ۷

ما میتوانیم

درهای استادیوم ها را در ایران

به روی زنان باز کنیم!

فتنه (جنبش برای رهایی زن)

صفحه ۱۰

دستگیرشدگان روزهای اخیر

فورا باید آزاد شوند

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۵

بن بست مذاکرات و تداوم جنگ در سوریه علت چیست؟

حمید تقوایی

صفحه ۴

داستانی کهنه و استدلال هائی زنگ خورده

اصغر کریمی

صفحه ۳

مرحله دوم طرح

"هدفمند کردن یارانه ها" تصویب شد

شهلا دانشفر

صفحه ۲

هشت مارس

روز اتحاد علیه آپارتاید جنسیتی

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹

توهین صدا و سیما به مردم منتسب به

بختیاری را محکوم میکنیم!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۵





مرحله دوم طرح "هدفمند کردن یارانه ها" تصویب شد

مرحله دوم طرحشان نیز محتوم به شکست است

شهلا دانشفر

مرحله دوم طرح "هدفمند کردن یارانه ها" این طرح ریاضت اقتصادی رژیم اسلامی با هزار ابهام و نا روشنی و جنگ و جدالهایشان به تصویب مجلس اسلامی رسید. این طرح در جلسه ۱۵ بهمن با تصویب تبصره ای مبنی بر درآمد ۴۸ هزار میلیارد تومان برای دولت از محل "اصلاح قیمت کالاها" و تامین نظر شورای نگهبان جمهوری اسلامی با ۱۱۸ رای موافق و ۷۴ مخالف و ۱۱ ممتنع برای اجرا از آغاز سال ۹۳ به تصویب رسید. اوج تشمت را در آرایشان میتوان دید.

منظور از "اصلاح قیمت کالاها" طبعاً یعنی افزایش قیمت کالاهای حامل انرژی که متعاقب آن قیمت تمام اجناس چندین برابر افزایش خواهد یافت. در این رابطه بحث بر سر افزایش ۳۷ درصدی این قیمت هاست. در ازای این شوک تورمی جدید ظاهراً قرار است چندرغاز یارانه نقدی را هم پردازند. اما نکته قابل توجه در اجرای این مرحله از طرح "هدفمند کردن یارانه ها" حذف بخش وسیعی از مردم از دایره شمول یارانه های نقدی و وارد ماجرا کردن خزنده یارانه های غیرنقدی برای زدن کل این ماجراست.

البته از همان آغاز نیز قرار نبود که یارانه های نقدی شامل همه شود و از همان ابتدا معلوم بود که این طرح موقتی و برای جلوگیری از به خیابان آمدن مردم است و در اولین فرصت آنرا تعطیل خواهند کرد. در حالی که سوبسید کالا های اساسی از محل درآمدهای عمومی دولت و بطور عمده درآمد نفت تامین میشود، جمهوری اسلامی تصمیم گرفت که هزینه های "یارانه های هدفمند" را از طریق بالا بردن قیمت کالاهای حامل انرژی، تامین کند یعنی این هزینه را از جیب مردم بیرون بیاورد و بطور طبیعی بخش عمده ای از

این پول توسط مقامات ریز و درشت دولت به غارت می رود. در ادامه تلاش بسیاری برای دهک بندی و حذف برخی دهک ها و غیره کردند. اما بر سر اجرایش قبل از هر چیز در میان خودشان نزاع بالا گرفت و نفس اینکه با چه معیاری این دهک بندی ها میتواند صورت گیرد، به کلاف سردرگمی تبدیل شد، که ناگزیر از خیرش گذشتند. در نتیجه ۷۵ میلیون مردم یارانه بگیر و به نحوی میشود حقوق بگیر دولت شدند و سرانجام چیزی جز خزانه ای خالی و به قول خودشان سرزمین سوخته برایشان به جا نماند. اکنون در اوج استیصال به سراغ اجرای مرحله دوم یارانه هایشان رفته اند و میخواهند زیر پرداخت کل ماجرای یارانه های نقدی بزنند، از همین رو این طرح را بصورت خزنده به مرحله اجرا در می آورند. از جمله در توضیح این مصوبه آمده است که منابع مالی حاصل از "اصلاح قیمت ها" و منابع یارانه ای را با استفاده از انواع روشهای "نقدی و غیر نقدی" خدمات بیمه ای بین "خانوارهای هدف و نیازمند توزیع"، با اولویت بخش تولید، اجرا کند.

همین مقدمه نشانگر حذف تدریجی یارانه نقدی و وارد کردن یارانه غیر نقدی و اجناس بنجلشان است. کاری که با طرح توزیع سبد کالایی شان آغازش کردند. در عین حال این توضیحات بیانگر محدود کردن دامنه شمولیت پرداخت یارانه هایشان حال چه به صورت نقدی و چه غیر نقدی است. چون در طرح صراحتاً اعلام شده است که یارانه نقدی صرفاً به سرپرستان خانوارهای متقاضی که به "تشخیص دولت" نیازمند دریافت یارانه باشند، پرداخت می گردد. ولی هنوز جرات نکرده اند که سقف این تشخیص و میزان در آمد را اعلام کنند. اگر چه در توزیع سبد

کالایی این سقف را ۵۰۰ هزار تومان در ماه گذاشتند. اما دیدیم در مقابل خود چگونه به فضای اعتراضی مردم علیه رژیم اسلامی و فقر و گرانی حاکم شدت داد. خودشان نیز وحشت کرده اند. جهانگیری معاون روحانی "از شیب آرام افزایش قیمت ها در فاز دوم هدفمندی خبر میدهد و از این میگوید که اقتصاد کشور در شرایط فعلی به هیچ عنوان تحمل شوک های جدید را ندارد. اشاره مستقیم او در این گفته ها فضای انفجاری جامعه و به قول خودشان "شورش گرسنگان است. از سوی دیگر پرداخت یارانه های نقدی و یال گردنشان شده است و به گفته خودشان تاکنون ۹۰ هزار میلیارد تومان از زمان شروع اجرای قانون هدفمندی درآمد حاصل شده است و ادعا می کنند که بیش از ۱۳۰ هزار میلیارد تومان پول صرف "یارانه های نقدی" شده و سخن بر سر کسری ۴۰ هزار میلیاردی است. از همین رو در مرحله دوم اجرای این طرح مجلس ۴۸ هزار میلیارد تومان درآمد حاصل از "اصلاح قیمت" حامل های انرژی را پیش بینی کرده است. در حالیکه در فاز اول هدفمندی یارانه ها درآمد حاصل از این محل حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان بوده است. بدین ترتیب جایی برای "شیب آرام" افزایش قیمت ها هم نمانده است.

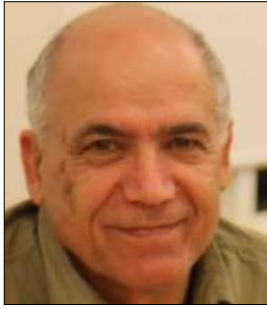
خلاصه کلام این کل داستان طرح اجرایی مرحله دوم هدفمند کردن یارانه های رژیم اسلامی است. طرحی که شکست آن محتوم است. اگر حاصل اجرای مرحله اول این طرح در دولت احمدی نژاد، خزانه خالی دولت و به گفته خودشان به جا ماندن سرزمینی سوخته برای کل جمهوری اسلامی و دولت روحانی بود. چشم انداز مرحله دومش نیز برایشان چیزی جز شکست و ناکامی بیشتر نخواهد بود.

قبلاً هم گفتیم که اجرای چنین طرحی و افزایش دوباره قیمت کالاهای حامل انرژی و وارد کردن یک شوک تورمی دیگر به جامعه، نیازمند مختنق کردن کل جامعه و عقب راندن مبارزات مردم است. اما واقعیات امروز جامعه ایران و گسترش هر روزه مبارزات کارگری و کل جامعه بیش از پیش استیصال رژیم اسلامی را مقابل چشم همگان میگذارد. ما امروز با جنبشی قویتر از هر سال بر سر خواست افزایش دستمزدها روبرویم. جنبشی که در آن کارگران رقم اعلام کرده و میگویند حداقل دستمزد در گام اول باید دو میلیون تومان باشد. همین اخیراً بود که محسن اژه ای رئیس قوه قضایی رژیم اسلامی، دست به یک زورآزمایی زد و از برخورد قاطع با کارگران اعتصابی سخن گفت. دست به دستگیری هایی هم زدند. اما دیدیم که کارگران چگونه مقابلشان ایستادند و در دفاع از همکاران دربندشان، بر خواستهایشان تاکید کردند و رژیم را نیز به عقب راندند. نمونه اش از جمله در معدن چادرملو و پلی اکریل اصفهان شاهد بودیم. در تبریز نیز دیدیم که تجمع اعتراضی کارگران کاشی تبریزکف را مورد حمله قرار دادند، اما فوری وحشت کردند و نمایندگان مجلسشان هشدار دادند که نباید کار به اینجا کشیده میشود. در سطح جامعه نیز اعتراضات گسترده ای که همین هفته اخیر در بخش وسیعی از خوزستان و اصفهان و شهرهایی از لرستان بر پا شد و هنوز ادامه دارد، را شاهدیم. موضوع به ظاهر از برنامه ای تلویزیون و توهین به مردم منتسب به بختیاری شروع شد. اما اعتراض مردم ریشه هایی بنیادی تر داشت و این را در اعتراضاتشان گفتند و در همبستگی مردم با این اعتراضات دیدیم.

طبعاً در برابر طرحهای رژیم و تعرضاتش به زندگی و معیشتمان باید بایستیم. تعرضات رژیم را باید با تعرض پاسخ داد. پاسخ مردم به طرح اجرای مرحله دوم "هدفمند کردن یارانه های" رژیم اسلامی باید همان پاسخی باشد که در دور اول دادیم. یعنی در برابر افزایش قیمت کالاهای حامل انرژی (برق، گاز، آب) باید ایستاد و با جنبش پرداخت نکردن قبضه ها این تعرض را به عقب راند. باید اعلام کرد که یارانه های نقدی حق ماست و باید مقدار آن بر اساس میزان واقعی تورم نیز بالا برود. چندرغاز سوبسیدی که به برخی کالاها تعلق میگرفت را حذف کردید، اکنون اجازه نمیدهیم که زیر یارانه های نقدی بزنید. ضمن اینکه سید کالایی را هم میخواهیم و اینها هیچک خسارتی که در همین چند سال اخیر بر زندگی و معیشت ما وارد شده است را جبران نمیکند. اما مهمتر از همه در سطحی سراسری حول خواست افزایش فوری دستمزدها باید جمع شد و به جنبشی که هم اکنون بر سر این خواست برپاست پیوست و اعلام کرد که دستمزدها باید در قدم اول دو میلیون تومان در ماه باشد. این خواستی است که نه تنها از سوی کارگران بلکه باید از سوی معلمان، پرستاران، بازنشستگان، کارگران بیکار و همه بخش های حقوق بگیر جامعه بعنوان حداقل مبنایی برای تامین زندگی اعلام شود. علاوه اعلام کنیم که درمان رایگان و تحصیل رایگان در تمام سطوح تحصیلی حق مسلم همه است. بدین ترتیب با متحد شدن حول این چند خواست مهم و سراسری خود و با جنبش نپرداختن قبضه ها و سازمان دادن اعتراضات گسترده سراسری، طرح ریاضت اقتصادی رژیم اسلامی را بر روی سرشان خراب کنیم.*

داستانی کهنه و استدلال هائی زنگ خورده

اصغر کریمی



است! معلوم نیست اگر مردم اینطور شسته رفته بتوانند خواست ها و شعارهایشان را مطرح کنند چه نیازی به دخالت این چپ دارند، چپی که حاضر به مداخله نیست و منتظر است مردم شفاف و روشن موضع کمونیستی بگیرند تا این چپ قدم رنجه کند و به خیابان بیاید. این متدی است که این نوع از چپ ها را از هر نوع دخالتگری و تاثیرگذاری مثبت در جامعه دور کرده است. در هیچ اعتراض حق طلبانه ای نقش خاصی ندارد، علیه اعدام لکتت زبان دارد. آخر مگر نه این است که محکومین به اعدام منتهم به مواد مخدر و قتل هم هستند و این مساله خیلی هم سراسر نیست! در اعتراض زنان به شرایط اسفبار کنونی نقشی ندارد. آخر مشغله حجاب مال شمال شهری ها است! و کارگر مشغله های دیگری دارد. ماشاله بهانه هم کم نیست. این چپ نقشی در جنبش عظیم ضد مذهبی مردم ندارد. در اعتراض مردم به تخریب محیط زیست حضوری ندارد. اگر هم اظهار لجه ای بکنند چون این مسائل را "دمکراتیک" و غیر سوسیالیستی میدانند و معتقد است که نباید نقش دخالتگرانه داشته باشد، حداکثر موضعی برای ارشاد مردم میگیرد و بس! خود را به دل این اعتراضات نمیزند. این عرصه ها را غیر کارگری میدانند و هرچند در شعار معتقد است که طبقه کارگر باید پرچم همه خواست های مردم را بلند کند اما در عمل آنها را به جنبش های دیگر میسپارد. البته يك مشکل کوچکش! این است که جانی حضور ندارد و خودش هیچکاره است. منتظر است طبقه کارگر خودش بلند شود و پرچم این مطالبات را بلند کند. قرار نیست خودش نقشی ایفا کند و تا این متد راهنمای آن است هیچ وقت و هیچ جا هم دستش به هیچ اعتراضی بند نخواهد شد. باز هم مردم اعتراض میکنند و اینها موعظه میکنند اعتراضات ارتجاعی است به خانه برگردید و لبه تیز حمله شان را متوجه حزب کمونیست کارگری میکنند و یا در بهترین حالت بعد از ختم اعتراض

بختیاری که وجود خارجی ندارند می سپارد. اما نفس اینکه کسی در این ماجرا به این موضع می افتد آیا نشانه این نیست که از بیخ در اشتباه است و پای استدلالش می لنگد؟ هیچ فرد مخالف جمهوری اسلامی، تاکید میکنم هیچ مخالف جمهوری اسلامی، نمیتواند به چنین موضعی درغلطد. اگر درغلطید باید فوراً شستش خردار شود که مشککش چیست. صورت مساله را ندیده و یا به متد پوچی پناه برده است. این موضع نه دفاع از آزادی بیان است نه مقابله با ناسیونالیسم، برعکس مقابله با آزادی بیان مردم در اعتراض است و تقویت ناسیونالیسم و قومپرستی. تخطئه مبارزات مردم توسط بخشی از چپ حاشیه ای را در سال ۸۸ هم شاهد بودیم. بافت بخشی از چپ ایران عمیقاً آغشته به این متدولوژی است. سال ۸۸ میلیون ها نفر از مردم به بهانه انتخابات رژیم علیه ظلم و بیحقوقی و حکومت مذهبی و تبعیض و فساد و نابرابری دست به اعتراض زدند. حزب ما در حمایت صریح و قاطع از خیزش مردم تردیدی نکرد و تمام قد در آن شرکت کرد. شعار مردم بسرعت از رای مرا پس بده به مرگ بر دیکتاتور و موسوی بهانه است کل رژیم نشانه است، تحول یافت. اما بخشی از چپ مبارزه عظیم مردم را که به قیام شش دی منجر شد، به جیب رفسنجانی و موسوی ریخت و تحت عنوان ارتجاعی بودن این جنبش از مردم خواست به خانه هایشان بروند. چپ کتابی توقع دارد مردم، آنهم در شرایط اختناق و بدون امکان تصمیم گیری جمعی و سازمان یافته، با شعارهای زنده باد سوسیالیسم و مرگ بر استثمار به خیابان بیایند و اگر شعاری غیر از این دادند جنبش شان ارتجاعی

انداخته است. نمیدانم از کی تا بحال خانهای بختیاری اینقدر نفوذ کلام و قدرت پیدا کرده اند که برای تحریف مبارزات مردم خوزستان دهها هزار نفر را به خیابان کشانده اند و بخشی از چپ هم پرچم مبارزه مردم را به آنها میدهد! جوانانی که در این هفته اعتراض کردند همانها هستند که علیه بدی هوا در خوزستان هم دست به تجمعات مختلف زده و طومار صدها هزار امضا کرده اند. همانها هستند که در نفت و لوله سازی و صنایع فولاد دست به اعتصاب و اعتراض میزنند. با توهین صدا و سیما هم ظرفی و فرصتی یافتند که نارضایتی عمیق شان را از کل این وضعیت و از جمله به رسانه ای که دهها سال مورد تنفر مردم بوده است ابراز کنند. اما حتی اگر فرض کنیم مردم فقط بدلیل يك توهین ساده به خیابان ریختند و با اوباش حکومت درگیر شدند باز هم وظیفه هر انسان شریفی این است که قاطعانه از این اعتراض دفاع کند. چه برسد به کمونیست ها که قرار است پرچم مبارزه علیه هر نوع تبعیض و هر نوع تفرقه افکنی را بلند کنند. در این میان اما يك محفل مهجور چپ کارگر پناه، همه اینها را نادیده گرفته و اطلاعیه بی نام و نشانی پیدا کرده که "تحركات عقب مانده قومی و عشیرتی" را دامن میزده است و همین را دستمایه ارتجاعی و قومی خواندن این اعتراض کرده است. و این چپی است که در طول حیات سیاسی اش و به اعتراف خودش حتی يك بار در يك اعتصاب حضور و نقشی نداشته است. ناسیونالیسم موضع کسی است که بجای مقابله با توهین و تفرقه افکنی حکومت و رسانه اش به مقابله با مردم می ایستد. ناسیونالیسم موضع کسی است که این اعتراض بحق را به سران ایل

میگردید؟ یادم میاید که راه کارگر هم در دوره برو بیای خاتمی، در بحث آزادی بیان یاد آزادی بیان اسداله لاجوردی افتاد. اینها متوجه نیستند که اینجا بحث بر سر توهین صدا و سیما یعنی ارگانی است که ۳۵ سال است به مردم توهین میکند، شانناژ میکند، مرعوب میکند، ترور شخصیت میکند تا حکومت اسلامی را نگهدارد. اگر بحث آزادی بیان اینجا جایی داشته باشد برعکس. اما در مورد ناسیونالیسم و قومپرستی. دهها هزار نفر از مردم به خیابان آمده اند و علیه رسانه منفور حکومتی و توهین به بخشی از مردم اعتراض میکنند. بهانه این چپ این است که این اعتراض قومی و ارتجاعی است. در هیچیک از این اعتراضات علیه فارس و عرب و ترک و کرد شعاری داده نشد، برعکس در اهواز شعارشان این بود برادران عرب حمایت حمایت، در جایی شعار میدادند ما همه با هم هستیم و در دزفول و شهرک مدرس میگفتند مرگ بر ضرغامی. خواست محوری مردم هم معذرتخواهی صدا و سیما و استغفای ضرغامی بود. و اگر اینها نبود این اعتراض مطلقاً نه به پنج استان کشیده میشد و نه در هیچ شهری اینقدر وسعت می یافت. مرکز اصلی اعتراض در شهرهای مختلف خوزستان بود که محرومیت عمیقی به مردم حاکم کرده اند. اولین اشتباه این چپ این است که فکر میکنند جوانی که در اهواز و رامهرمز و دزفول و اندیمشک و ایذه و الیگودرز و اصفهان به خیابان آمده شکمش سیر است، نارضایتی خاصی ندارد و اکنون بدستور خانهای بختیاری و برای اثبات برتری قومی و یا حفظ هویت قومی خود جانش را به خطر

اعتراض دهها هزار نفر از مردم شهرهای مختلف استان خوزستان، اصفهان و لرستان و چهارمراحل بختیاری در اعتراض به صدا و سیما جمهوری اسلامی، بار دیگر داستان کهنه چپ هیروتی را زنده کرد. بخشی از چپ طبق معمول سکوت کرد تا بعد از اینکه خودش را روشن کرد به تفسیر! این اعتراضات بپردازد و چپ هائی نیز شمشیر چوبی خود را علیه این اعتراضات بلند کرده و رسماً با وقاحت اعلام کردند که بجای جمهوری اسلامی باید مردم را محکوم کرد. استدلال اینها این است که این اعتراضات قومی و ناسیونالیستی است و جلو آزادی بیان، اینجا آزادی بیان جمهوری اسلامی، را میگیرد! اجازه بدهید این دو مساله یعنی آزادی بیان و ناسیونالیسم را که پای استدلال این بخش چپ است کمی باز کنیم. یکی از دوستان چپ عینا اینطور نوشته است: "مردم باید پای خود را از این تحركات بیرون بکشند و به جای شرکت در این تحرك ارتجاعی خواهان آزادی کامل و بی قید و شرط بیان شوند تا هر کسی بتواند آزادانه بنویسد و نقد کند و فیلم بسازد." باید از این دوست عزیز لااقل بخاطر اینهمه صراحت قدردانی کرد. اعتراضی علیه صدا و سیما حکومت براه افتاده است، جمهوری اسلامی مشغول سرکوب مردم است و صدها نفر از معترضین را به زندان انداخته است و ایشان به یاد دفاع از آزادی بیان افتاده است! گیرم که این اعتراض اینطور که ایشان میگویند ارتجاعی، اما دوست عزیز چه شد که وسط این دعوا یاد آزادی بیان صدا و سیما افتادید؟ صدا و سیما که آزادی بیان را به کمک سپاه پاسداران و قوه قضائیه حفظ کرده است. بهتر نبود بحث آزادی بیان را به ضرغامی واگذار

بن بست مذاکرات و تداوم جنگ در سوریه علت چیست؟

حمید تقوایی



روسیه انجام گرفت - و آنها عملاً با کارشکنی و دفع الوقت رژیم اسد مواجه شده است - آغاز شد و نتیجه اش تداوم جنگ و کشتار مردم سوریه و تانگوی دیپلماتیک بین دو طرف جنگ بود. حتی "صلحدوستی" دولتهای غربی به قطع فوری جنگ و جلوگیری از کشتار هر روزه مردم ربطی ندارد.

باید در مقابل تمام این سیاستها و سناریوهای ارتجاعی ایستاد. حل واقعی و عملی بحران سوریه تنها با برکناری اسد و رژیم حاکم در سوریه امکان پذیر است. حتی در به بن رسیدن مذاکرات نمایندگان رژیم اسد نقش اصلی را دارند چرا که معنی عملی کشدار شدن و بیفرجام ماندن این مذاکرات ابقای رژیم اسد در قدرت است.

تنها با برکناری رژیم اسد میتوان به جنگ و کشتار مردم سوریه فوراً پایان داد، نیروهای تروریستی درگیر جنگ سوریه - از حزب الله و دیگر نیروهای نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی گرفته تا داعش و جبهه النصره و ارتش آزاد و غیره - را خلع سلاح کرد و مهار زد، و شرایط و فضای سیاسی را برای دخالت واقعی مردم در سرنوشت سیاسی خودشان فراهم آورد.*

خود میگیرند و با موضوعی حق بجانب از "خلع سلاح همه نیروهای تروریستی" و "صلح" و بازگشت اوضاع به شرایط ماقبل جنگ، یعنی ابقای اسد در قدرت، سخن میگویند. مساله را به "جنگ نیروهای تروریستی"، که گویا از آسمان نازل شده اند، تنزل میدهند تا رژیم اسد را حفظ کنند. در این میان جمهوری اسلامی در ابقای اسد تقویت و تثبیت موقعیت خودش در ایران و در منطقه را دنبال میکند و دولت روسیه احیای ابرقدرتی خودش را.

برای آمریکا و دولتهای غربی نیز "بحران سوریه" در چارچوب جلوگیری از نفوذ روسیه و عقب راندن نیروهای اسلامی - ضد آمریکائی مطرح است و این هدفی است که از دیپلماسی "مذاکرات صلح" دنبال میکنند. این دیپلماسی با طرح کردن خلع سلاح شیمیائی که با توافق

ارتش سوریه و متحدینش (حزب الله و سپاه قدس و دیگر نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی) ندارند اما از تجهیزات و تسلیحات ارتش سوریه برخوردار نیستند و لذا از نقطه نظر ابعاد کمی و آمار کشتارها و ویرانگریها این رژیم اسد است که در ردیف اول متهمین قرار میگیرد. ندیدن این واقعیت خود یک نوع موضعگیری و تبیین قضیه است که از لحاظ سیاسی عملاً به نفع رژیم اسد و متحدینش تمام میشود. اسد و جمهوری اسلامی و روسیه از همان آغاز چنین تبلیغ میکردند که خیزش مردم سوریه "کار اجانب" و نیروهای تروریستی و القاعده و غیره است. و اکنون تبدیل شدن سوریه بمیدان جنگ این نیروها را - شرایطی که ادامه و نتیجه سیاستهای سرکوبگرانه خودشان علیه انقلاب سوریه است - شاهی بر مدعای

مردم سوریه علیه رژیم اسد بپا خاستند و از زمین و هوا کوبیده شدند. رژیم اسد با برخورداری از حمایت بیدریغ جمهوری اسلامی انقلاب مردم سوریه را بخون کشید و این راه را برای دخالت گری دیگر دولتهای ارتجاعی منطقه نظیر ترکیه و عربستان سعودی و دارودسته های نظامی وابسته به آنها فراهم کرد. حتی اگر ابعاد سیاسی تراژدی سوریه را نادیده بگیریم، از نظر انسانی نیز مسئول اصلی کشتار و آوارگی میلیونی و خانه خرابی مردم سوریه رژیم اسد است. بخش اعظم این کشته شدگان و آوارگان قربانی توپ باران شهرها و حملات هوایی و بمبهای شیمیائی و اخیراً بمبهای بشکه ای ارتش اسد هستند. البته جنایت جنایت است و دارو دسته های اسلامی و نیمه اسلامی مخالف اسد نیز از نظر توحش و شناخت دست کمی از

آخرین دور مذاکرات "صلح سوریه" در ژنوبی نتیجه ماند. همین نامگذاری "صلح سوریه" علت بی ثمری این مذاکرات را هم توضیح میدهد. میخواهند اینطور وانمود کنند که تراژدی سوریه ثمره یک جنگ داخلی بین نیروهای مختلف است و لذا راه حل هم صلح بین این نیروها است! گوئی نیروهای درگیر در سوریه از زمین روئیده و بجان یکدیگر افتاده اند و همگی به یکسان و در یک سطح مسئول تراژدی امروز سوریه هستند.

این واقعیت ندارد! نه جنگ امروز ابتدا بساکن شروع شد و نه از نقطه نظر سیاسی و حتی از جنبه انسانی همه نیروهای درگیر دارای نقش و جایگاه یکسانی در تراژدی سوریه هستند. علت اصلی و زمینه ساز وضعیت امروز سوریه رژیم اسد و متحدینش یعنی روسیه و جمهوری اسلامی هستند.

از صفحه ۳

داستانی کهنه و استدلال هائی زنگ خورده

جوانب منفی و مثبت آنرا تفسیر میفرمایند. و این داستانی کهنه است.

اما در مورد سیاست و نحوه برخورد حزب ما به این مساله هم لازم است چند کلمه بگویم. اگر این اعتراض ارتجاعی بود ما مقابلش می ایستادیم. اما در غیر اینصورت تنها با دخالت فعال است که میتوان مقابل گرایش یا گرایشاتی که حرکات حق طلبانه مردم را به بیراهه میکشاند، محکم ایستاد و جنبه های رادیکال و آزادخواهانه آنرا تقویت کرد. ما با دخالت فعال و ضمن

حق دادن به مردم معترض سعی کردیم جنبه هائی را در این مبارزه تقویت کنیم و به سهم خود راه را بر دخالت جریانات ناسیونالیست و قومگرا سد کنیم. سعی کردیم از جمله در برنامه های پخش مستقیم در کانال جدید ریشه های عمیق این اعتراض به کل بیعدالتی ها، به فقر و بیکاری و تبعیض و فساد و بیحقوقی و نفرت دیرینه از صدا و سیمای رژیم را مورد تاکید قرار دهیم و به مردم در بیان کردن دلایل و ریشه های اعتراضشان کمک کنیم. سعی کردیم همبستگی بخش های

مختلف مردم را تقویت کنیم و با استقبال گرم مردم مواجه شدیم. و تنها با حضور و دخالت فعال در یک مبارزه است که میتوان توجه مردم را جلب کرد و بر آن تاثیر گذاشت نه با تکفیر آن. در هر مبارزه عادلانه ای، میتوان پیرایه های ناسیونالیستی، مذهبی، عقب مانده و تفرقه افکنانه و غیره هم پیدا کرد. راهش تخطئه این مبارزات نیست. کسی که قصد تضعیف این گرایشات و تقویت موضع سوسیالیستی و آزادیخواهانه در مبارزات مردم را داشته باشد، باید قاطعانه در این اعتراضات شرکت کند، از مبارزه مردم دفاع کند، صفوف مبارزه را تقویت کند و تنها در این صورت است که میتواند با جلب سمیاتی و توجه مردم، نفوذش را گسترش دهد و بر آنها تاثیر بگذارد. حتی

در اکثر اعتراضات و اعتصابات کارگری نیز گرایشات عقب مانده و رفرمیستی و تفرقه افکنانه دیده میشود و تنها با حضور فعال توسط گرایش سوسیالیستی میتوان مقابل این گرایشات ایستاد و اتحاد مستحکمی را میان کارگران علیه حکومت و سرمایه داران شکل داد. کسی که اینرا نبیند الفبای مبارزه را هم درک نکرده است. هیچ مبارزه عادلانه توده ای از روز اول خالص و بی اشکال نیست. نمیتوان بیرون گود ایستاد و اخ و تف کرد. کمونیسم دخالتگر اینها را میبیند و با حضور فعالش تلاش میکند مبارزه را به سمت و سوی درستی هدایت کند. مردم باید کمونیست ها را در صف اول مبارزه خود ببینند تا جریانات ارتجاعی میداندار نشوند.

این بحثی مربوط به گذشته نیست بحثی مربوط به آینده است. مردم باز هم دعوی دو باند حکومتی یا توهین صدا و سیما یا اتفاق دیگری را بهانه میکنند و به خیابان میریزند. مردم خواهان سرنوشتی حکومتند و از هر روزنه ای و هر دعوائی در صفوف حکومت و از هر بهانه و فرصتی برای گسترش اعتراض خود استفاده میکنند. حزب ما تلاش میکند هرجا اعتراض بحقی وجود دارد حضور داشته باشد، از مردم دفاع کند و صفوف مردم را در مقابل با حکومت و طبقه حاکم تقویت کند. تنها با این شیوه است که میتوان مقابل ناسیونالیسم و قومپرستی و جنبش های ارتجاعی دیگر ایستاد نه با قهر کردن با مبارزات مردم.*

توهین صدا و سیما به مردم منتسب به بختیاری را محکوم میکنیم!

هوای سالم محروم شده اند و به اشکال مختلف به این اوضاع اعتراض میکنند. در چنین شرایطی پخش چنین سریال هائی تلاشی است برای ایجاد تفرقه میان مردم و سایه انداختن بر مبارزات متحدانه مردم این استان علیه آلودگی هوا و مشکل آب، علیه گرانی و فقر و محرومیت، علیه نپرداختن دستمزد و بیکارسازی، علیه دستگیری و اعدام و سرکوب و علیه سایر محرومیت های عمیق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی. حزب همه مردم را فرامیخواند که از اعتراض بحق همدیگر حمایت کنند و هر ستم و سرکوب و تحقیری را به صحنه اتحاد و مبارزه متحد و قدرتمند خود علیه حکومت نیکت اسلامی تبدیل کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد اتحاد و همبستگی مردم علیه
جمهوری اسلامی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ بهمن ۱۹۹۲، ۱۵ فوریه ۲۰۱۴

کارگری بوده و کارگران بسیاری از مراکز بزرگ این استان صرفنظر از انتساب آنها به لر و عرب و فارس و غیره دوش به دوش هم، متحد و یکپارچه دست به اعتراض و اعتصاب میزنند، باید با هوشیاری جلو هر نوع تفرقه را بگیرند و با اینکار سد بزرگی در مقابل سیاست های ارتجاعی رژیم برای دامن زدن به شکاف های قومی و مذهبی ایجاد کنند.

جمهوری اسلامی زندگی بسیار فقیرانه ای را به اکثریت عظیم مردم این منطقه تحمیل کرده است، بیکاری بیداد میکند، سرکوب و دستگیری و شکنجه و اعدام مخالفین حکومت در این منطقه به شدت جریان دارد و مردم این منطقه حتی از آب و

رژیم را به وحشت انداخت و کارگردان این سریال را به معذرت خواهی کشاند.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی و ارگانهایش بخشی از مردم را مورد توهین قرار میدهند و هر بار با اعتراض بحق مردم مواجه میشوند. حزب کمونیست کارگری توهین به مردم توسط صدا و سیما حکومت را شدیداً محکوم میکند. حزب از همه مردم شریف شهرهای استانهای جنوب و سراسر کشور میخواهد که جمهوری اسلامی و صدا و سیما را محکوم کنند. حزب بر این نکته مهم تاکید میکند که در شرایطی که شهرهائی چون اهواز از مراکز بزرگ اعتراض علیه حکومت و بویژه یکی از مراکز مهم اعتراضات

در روزهای گذشته شهرهای مسجد سلیمان، اهواز و دزفول صحنه خشم و اعتراض مردم به صدا و سیما جمهوری اسلامی بخاطر توهین به مردم منتسب به بختیاری بود. این توهین که در سریال ارتجاعی و تبلیغاتی رژیم با عنوان "سرزمین کهن" در شبکه ۳ صدا و سیما حکومت پخش شد بلافاصله به عکس العمل گسترده مردم در برخی شهرهای استان های جنوبی کشور منجر شد. طبق گزارشات منتشره، مردم معترض ضمن محکوم کردن صدا و سیما و مسئولین آن، به تعدادی از مراکز رژیم حمله کرده و آنها را به آتش کشیدند و تعدادی از مزدوران نیروی انتظامی را گوشمالی دادند. اعتراض مردم مقامات

دستگیر شدگان روزهای اخیر فوراً باید آزاد شوند

شدگان دست به اعتراض بزنند. حزب همچنین مردم خوزستان بویژه شهر دزفول را فرامیخواند که با اعتراض گسترده خود نگذارند جمهوری اسلامی بیش از این مردم شهرک مدرس را مورد اذیت و آزار قرار دهد.

دستگیر شدگان اعتراضات روزهای اخیر و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.
زنده باد همبستگی مبارزاتی مردم
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ بهمن ۱۹۹۲، ۱۹ فوریه ۲۰۱۴

اعتراض بحق مردم در استانهای مختلف کشور علیه جمهوری اسلامی و صدا و سیما منفور، ضرب و شتم مردم توسط نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکند و از همه مردم در سراسر کشور میخواهد که برای آزادی دستگیر

های مردم حمله کرده و صدها نفر را تنها در این شهرک دستگیر کرده اند و یک حکومت نظامی تمام عیار را در آنجا حاکم کرده اند. در اصفهان و برخی شهرهای دیگر نیز تعداد زیادی از مردم دستگیر شده اند. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از

در جریان اعتراضات روزهای گذشته در شهرهای خوزستان و اصفهان و برخی شهرهای دیگر صدها نفر از مردم دستگیر شده و به نقاط نامعلومی انتقال داده شده اند. طبق گزارشی که به حزب رسیده است در شهرک مدرس دزفول اوباش حکومت به خانه

۸ کارگر معترض پتروشیمی رازی به دادگاه احضار شدند

قابل ملاحظه اعدام ها قادر به مرعوب کردن مردم نشده است، برای جلوگیری از گسترش بیشتر اعتصابات کارگری دستگیری فعالین اعتصابات را گسترش داده است.

با سرنگونی حکومت اسلامی، مردم به حساب جنایتکارانی مانند اژه ای و روحانی و سایر سردمداران حکومت خواهند رسید. حزب کمونیست کارگری از کارگران و مردم آزادیخواه میخواهد که با دفاع از کارگران و مبارزات آنها توده های محکمی به حکومت بزنند و مبارزه برای سرنگونی این حکومت را گسترش دهند. حزب کمونیست کارگری به مدیران و کارفرمایانی که از کارگران به دم و دستگاه سرکوب حکومت منحوس اسلامی شکایت میکنند، هشدار میدهد که دست از این اعمال ضد کارگری بردارند و خود را در جنایات حکومت شریک نکنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ بهمن ۱۹۹۲، ۱۹ فوریه ۲۰۱۴

کارفرمایان دستگیر شدند اما پس از چند روز بدلیل مبارزه کارگران این مراکز، رژیم مجبور به آزادی آنها شد. در جریان این دستگیری ها محسنی اژه ای، سخنگوی قوه قضائیه و دادستان کل حکومت، کارگران اعتصابی را تهدید کرده و گفته بود که "اگر افرادی به اسم اعتراضات صنفی اقدامی برخلاف نظم عمومی و امنیت ملی انجام بدهند با آنها برخورد می شود".

واقعیت این است که در ماههای اخیر اعتراضات کارگری بطور محسوس گسترش یافته و دهها هزار نفر از کارگران مراکز بزرگ صنعتی دست به اعتصاب زده اند و دولت "تدبیر و اعتدال" روحانی که علیرغم گسترش

اعتراض کارگران به خودداری کارفرما از اجرای توافق نامه مربوط به افزایش حقوق و دستمزد میباید. در جریان مبارزه کارگران این کارخانه برای افزایش دستمزد، مدیریت تعهد کرد که دستمزدها را افزایش بدهد اما زیر توافق خود زد و برای مقابله با تداوم اعتراض کارگران، از آنها به اتهام اخلاص در محیط کار شکایت کرده است. مدیریت پتروشیمی فجر در بندر ماهشهر نیز قبل تر از یکی از کارگران این کارخانه شکایت کرده بود.

لازم به توضیح است که در نیمه اول بهمن امسال دهها کارگر معدن چادرملو و چندین کارگر پلی اکریل اصفهان نیز با شکایت

در ادامه سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی علیه کارگران معترض، هشت نفر از کارگران پتروشیمی رازی در بندر ماهشهر به دادگاه احضار شدند. اسامی کارگران احضار شده به این شرح است: غلامحسین حیدری موسی، هندی جانی، مازیار رحیم زاده، علیرضا بهادری، عادل راشدی، علی ساجدی نیا، فریبرز کیانی و نسیم جونکی. مدیریت مجتمع پتروشیمی رازی از این کارگران شکایت کرده و "دادسرای عمومی و انقلاب" حکومت در این شهر آنها را احضار کرده است.

علت شکایت مدیریت از کارگران و احضار آنها توسط پیدادگاههای حکومت،

سوریه و موقعیت باخت باخت جمهوری اسلامی!

" در سوریه تمام دنیا يك طرف است و ایران در طرف دیگر. نیروی قدس یکی از نیروهای

پنجگانه سپاه است که ماموریت‌های برون مرزی دارد. ... بعضی‌ها تز روشنفکری می‌دهند که حالا این آقا (بشار اسد) برود و يك نفر دیگر بیاید و می‌گویند فرض کنید مرده، زیرا حقیقت موضوع را نمی‌دانند."

قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران فرمانده نیروی قدس درست می‌گوید! مساله فقط يك جایجائی ساده نیست. رفتن اسد ضربه کاری به موقعیت جمهوری اسلامی در ایران و در منطقه وارد خواهد کرد. این حقیقت را فرمانده نیروهای قدس که دستش تا آرنج در خون مردم سوریه است خوب میداند. اما نفس اینکه عده‌ای از درون حکومت دارند این ساز را می‌زنند که "فکر کنید اسد مرده است... این آقا برود و يك نفر دیگر بیاید" نشاندهنده اینست که اوضاع به ضرر سیاست حمایت از اسد در حال تغییر است.

این اختلاف نظر در يك جدل علنی دو نماینده مجلس بر سر مساله دخالت رژیم در سوریه بیشتر خود را نشان میدهد. "سؤال خبر آنلاین از حقیقت پور نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس: اخیراً آقای نبویان اعلام کرده است که ۱۵۰ هزار سوری را به ایران آوردیم و به آنها آموزش نظامی دادیم و ۱۵۰ هزار را

همانجا آموزش داده‌ایم. اینگونه اظهارنظرها چه تبعاتی را به همراه دارد؟ پاسخ: ... مقامات جمهوری اسلامی ایران باید با اینگونه اظهارنظرها برخورد کرده و مواضع مناسب را اتخاذ کنند. ... کشورهای دیگر از چنین اظهارنظرهایی اینگونه برداشت می‌کنند که ایران به دنبال پرورش تروریست است در صورتی که چنین موضوعی صحت ندارد."

این نوع اختلاف نظرها ناشی از رقابتهای جناحی نیست، مساله جدی تر و سیاسی تر است. یکی می‌خواهد با به رخ کشیدن نیروهای تروریستی اش - نیروی برون مرزی سپاه قدس و آموزش سیصد هزار سوری و غیره - جانی برای خود در منطقه و جهان باز کند و دیگری با انکار و لاپوشانی کردن آن! یکی حمایت از اسد را مانعی برای عادیسازی رابطه با غرب میداند و دیگری عاملی برای امتیاز گیری از غرب! يك جناح خواهان حمایت از رژیم اسد به هر قیمت است چرا که نگران تضعیف موقعیت داخلی و منطقه ای جمهوری اسلامی است و جناح دیگر به رفتن اسد رضایت داده است چون نگران انزوا و تشدید بحران و بن بست اقتصادی و سیاسی حکومت در نتیجه عدم سازش با غرب است. و هر دو هم حق دارند! جمهوری اسلامی از هر طرف که بچرخد ضرر کرده است.

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

اقتصاد مافیائی با علامت تجاری "مرگ بر آمریکا!"

متبرکه و اما مزاده‌ها به مفت خوری آبا و اجدادی خود مشغول بود با رسیدن بقدرت به يك اقتصاد مافیائی غارت و چپاول منابع ثروت جامعه "ارتقا" پیدا کرد. يك اقتصاد مافیائی با علامت تجاری "مرگ بر آمریکا!" تورم و افزایش سرسام آور قیمت کالاها، بازار قاچاق، رانت خواری و ارتشا و اختلاس و دزدی، بازار سیاه مشروب و فیلمهای پورنو و دیشهای ماهواره ای و دیگر محصولات "فرهنگ ضاله غربی"، همه از ثمرات و برکات مرگ بر آمریکا برای مقامات جمهوری اسلامی است. حتی تشدید تحریمها در این بازار بخور و بچاپ مستقیماً به سودهای کلان و انباشت دلارهای بیشتر در حسابهای بیت رهبری و سرداران سپاه و باند رفسنجانی ها و عسگر اولادی ها و غیره ترجمه میشود.

گرانی و احتکار و رونق گرفتن قاچاق و بازار سیاه و اختلاس و ارتشا و فساد دولتی عارضه همه کشورهای در حال جنگ است. اما در جمهوری اسلامی، این عارضه نهادینه شده و مانند يك غده سرطانی بر تمام منابع ثروت جامعه پنجه انداخته است. این غده را باید به همراه کل نظام سرمایه داری در ایران، که جمهوری اسلامی نماینده و مظهر پوسیدگی و گندیدگی، و بن بست و استیصال آنست، از ریشه درآورد. *

"اقتصاد مقاومتی" خامنه ای نام دیگری برای سیاست ریاضت کشی اقتصادی و سفت کردن کمربند ها است. این فراخوان حمله تازه ای به معیشت کارگران و توده مردم است که در انطباق کامل با رهنمودهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول قرار دارد. اما برای آیت الله های میلیاردر برکات اقتصاد مقاومتی بسیار از این فراتر می‌رود.

ضد آمریکائی گری برای جمهوری اسلامی از لحاظ اقتصادی نتایج دوگانه ای داشته است. بن بست و فروپاشی اقتصاد از یکسو و شکل گیری يك اقتصاد مافیائی پر سود برای آیت الله های میلیاردر از سوی دیگر. جنبه اول در ورشکستگی کارخانه ها و نچرخیدن چرخ تولید و بی تامینی و بی آیندگی سرمایه گذارها و همچنین در گرانی و تورم و بیکاری و سوق یافتن بخش هر چه وسیعتری از مردم به زیر خط فقر خود را نشان میدهد و جنبه دوم در حسابهای بانکی صدها میلیارد دلاری مقامات که هر از چندی گوشه ای از آن "پرده برداری" میشود.

اولین ثمرات غرب ستیزی برای جمهوری اسلامی گران شدن دلار و سیستم ارز دو نرخ بود که تا کنون میلیاردها دلار به جیب دلانان ارز ریخته است. اما این تنها آغاز کار آیت الله های تازه بقدرت رسیده بود. صنعت مذهب که خارج از دولت با خمس و زکات و موقوفات و نذر و نیاز و مداخله مراقد

شاهان کبیر و فاتحین خونخوار!

هخامنشی بر گرده آنها برپا شده بود سؤال کرد! آنچه در فرهنگ مردم همه کشورها قابل احترام است، ارزش نهادن به انسان و انسانیت فارغ از مرز و خاک و تفاوتهای ملی و قومی و نژادی و مذهبی است. احترام به ارزشهایی که با هر زبان و در فرهنگ هر جامعه ای بیان شود، جهانشمول است و همه ساکنین کره ارض را در بر میگیرد و به یکدیگر مرتبط میکند. یعنی دقیقاً کاری که اینترنت انجام میدهد. تکنولوژی اینترنت راه ارتباط و همصدائی بین مردم همه کشورها را در مقابله با همه تبعیضات و تفرقه افکنی های ملی و نژادی و جنسی و مذهبی فراهم آورده است. اینترنت هم مثل انسانیت مرز ندارد. "مرزهای پرگهر" را پشت سر بگذارید و بجای ایرانیت، روی انسانیت کلیک کنید! *

دوستی از من پرسیده است شما کمونیستها چرا برای فرهنگ ایرانی ارزشی قائل نیستید؟ و بعد هم آدرس لینک يك سایت را برای من فرستاده است با این عنوان: "آگه به کورش کبیر افتخار میکنی کلیک کن!" من به سراغ این سایت نرفتم چون هیچ شاهی را، کبیر یا صغیر، باعث افتخار هیچکسی نمیدانم. معمولاً شاهان هر چه از نظر ملت خودشان کبیر تر باشند از نظر ملت‌های دیگر خونخوار تر و وحشی ترند. اسکندر که فتح میکرد و به آتش میکشید از نظر اهالی مقدونیه و یونان کبیر است و چنگیز از نظر مردم مغولستان! نادرشاه قهرمان ناسیونالیستهای ایرانی است اما مردم هندوستان همان تصویری را از او دارند که ما از چنگیز داریم! درجه کبیر بودن کورش را هم باید از بردگانی که امپراتوری

علم، تکنولوژی و چشم انداز حذف کار - ۲

عباس گویا

در شماره قبل انتشار ادامه مقاله علم، تکنولوژی و چشم انداز حذف کار امکان پذیر نشد. بخش دوم این نوشته را در این شماره می خوانید. در ابتدا قرار بود که این مطلب در دو شماره منتشر شود. اما دستاوردهای عظیم علمی بشر در سالهای اخیر، تاثیراتی که در تحولات اجتماعی و سیاسی زندگی بشر امروز داشته و نقش مهمی که می تواند در جهان و سرنوشت انسان در آینده نزدیک داشته باشد، موضوع مهم، پیچیده و بسیار گسترده ای است و با شروع آن سوالات بسیاری مطرح میشود که لازم است به حداقلی از آنها پاسخ گفت که صفحات محدود انترناسیونال و در دو شماره امکان پذیر نیست. احتمالا در دو شماره آینده نیز این مقاله ادامه خواهد داشت که فقط می تواند بطور کلی و مختصر جنبه های کلی این بحث مهم را مطرح کند. با تشکر از عباس گویا نویسنده این مقاله.

انسان دارند - مثلا مغز يك كرم میوه- در دوران عصر حجر بسر میبرد. در هر رو، فکر کردن برابر با ذهنیت نیست. حتی اگر روزی موفق به ساخت روایات فکر کننده ای شویم، این روایات در چارچوب ذهنیت انسان فکر و فعالیت خواهد کرد. باید بخاطر داشت انسان تنها حدود ده هزار سال است که توانسته است اسکان یابد و برای کشف طبیعت قدمهایی بردارد. از این ده هزار سال، نزدیک به ۹۰ درصد از کشفیات علمی بشر در دویست سال گذشته بوقوع پیوسته است. مجموعه کشفیات علمی بشر تا انتهای نیمه اول قرن هیجدهم تنها ۱۶ درصد از کل کشفیات بشر تا امروز را تشکیل میدهند. از نیمه دوم قرن هیجدهم تا نیمه دوم قرن نوزدهم، نزدیک به ۱۵ درصد به کشفیات علمی افزوده میشود، یعنی در فاصله يك قرن انسان برابر با تمام طول تاریخ ماقبل خود کشفیات علمی داشته است. نیمه دوم قرن نوزدهم تا انتهای قرن بیستم ۶۹ درصد از کشفیات علمی بشر را بخود اختصاص میدهد. [۱] قرن بیست و یکم به شتاب کشفیات بشری سرعت باز هم بیشتری داده است. قرن بیست و یکم با ثبت نقشه کامل دی ان ای انسان آغاز شد و در ادامه با کشف بوزون هیگز که ادعا میشود بزرگترین کشف علمی قرن جاری خواهد بود. اما این شتاب ممکن است برای تسلط بر بغرنجترین شکل ماده که ما میشناسیم، یعنی مغز انسان، در

برخی از فیزیکدانان مدعیند در انتهای قرن جاری میتوان روایتهایی ساخت که مستقل از بشر فکر کنند. برای ساخت روایاتی با قدرت تفکر باید ابتدا به ساکن مکانیسم فکر کردن را کشف کرد. تصور اینکه این امر در قرن جاری به ثمر برسد سخت است. طبیعت بیش از ۳ و نیم میلیارد سال لازم داشت تا انسان را پس از بوجود آوردن اولین شکل حیات، باکتری، تکامل ببخشد. اگر مبدا تکامل را حتی چند سلولیهها در نظر بگیریم، ۶۰۰ میلیون سال طول کشید تا موجودی در طبیعت تکامل یابد که توان مغز او در حفظ و دسترسی به آنچه او دیده است شگفت آور است. ما هرروز که بیدار میشویم لازم نیست یکبار دیگر اتافی که در آن خوابیدیم را از نو کشف کنیم. میتوانیم چشم بسته در آن راه برویم. پیشرفته ترین روایتهای امروز توان اینکار "پیش پا افتاده" و مفروض برای انسان را ندارند. يك روایات برای بازشناسی حتی گوشه ای از يك اتاق هر بار باید آنرا "ببیند" یعنی از آن عکس بگیرد، با عکسهایی که در حافظه اش ذخیره کرده است منطبق کند و اگر هر دو عکس یکسان بودند آن صحنه را "دیده" و شناسایی کند. اگر عکس ذخیره با عکس گرفته شده ذره ای تفاوت داشته باشد، روایات آن صحنه را "جدید" میدانند. خلاصه کنم، تکنولوژی امروز در تناسب با توانایی مغز انسان، یا حتی مغز موجودات زنده دیگر که پیچیدگی بسیار کمتری از مغز

باشند. در عالم واقع اما بیش از ۹۸ درصد از موجودات تا بحال زنده کره زمین منقرض شده اند. پروسه تکامل موجودات زنده در خود تابعی از تواناییهای بیولوژیک و اجتماعی موجودات زنده بوده است. همکاری موجودات زنده ای که بصورت گله ای زنده میگردند، يك رمز موفقیت "بقا اصلح" بوده است. "اصلح" لزوما بمعنای فیزیک قوی تر يك موجود زنده نبوده است. انسان علاوه بر خصلت همکاری اغلب موجودات زنده که جمعی زندگی میگردند، همکاریش آگاهانه، یا بقول مارکس سیاسی بود. این خصلت برجسته انسان او را در موقعیت ممتازی برای "اصلح" شدن قرار داد. در تمایز با سیر تکامل طبیعت، انسان توان شناخت، یعنی در درجه اول مشاهده و سپس انتزاع کارکرد پدیده های طبیعی در قالب قوانین فیزیک، شیمی، ریاضی، بیولوژی و الخ را دارد. شناخت طبیعت سپس در قدم بعدی بشکل کاربرد علوم در زندگی بشری، یعنی ابزار و تکنولوژی، مادیت می یابد. این آخرین قدم بیان فعالیت هدفمند و آگاهانه انسان است. توان شناخت، انتزاع و کاربرد کنکرت مفاهیم عام طبیعی در زندگی مادی - مفاهیم عامی که به یمن توان انتزاع به درک آنها رسید - انسان را میلیونها و شاید صدها میلیون سال از پروسه تدریجی، آزمون و خطائی تکامل طبیعت جلو انداخت. کشف اتفاقی یاخته های عصبی (نورون های) آینه ای اثباتی [۲] بر این قضیه است. این نورونها با دیدن يك عمل همزمان تجربه يك عمل و حتی احساس ناشی از آن تجربه را به ما منتقل میکنند، که در نتیجه تقلید یا فراگیری آن تجربه عملی برای ما ممکن میشود. حال وقتی تجربه فراگیر شونده خود چکیده فعالیت و آگاهی انسان در طی قرون باشد، انسان با صرف دیدن يك عمل جهش چندین ساله، چند صد ساله، چند هزار ساله، یا چند ملیون ساله میکند. آنچه به انسان توان انتزاع را داده است، قوه دماغی اوست. با فرض وجود مغز، آنچه قوه دماغی انسان را به این سطح از تکامل و پیچیدگی

رسانده است فعالیت او بوده است. خلاصه کنم، یکی از فعالیتهای هدفمند انسان شناخت طبیعت در قالب علوم طبیعی و کاربرد علوم بشکل ابزار یا تکنولوژی است. جمعبندی نکات بالا: برای طبیعت نزدیک به ۱۴ میلیارد سال طول کشید تا ماده از مقطع بیگ بنگ به انسان تکامل یابد، انسان هوشمند (یعنی انسانی که از جمله توان مشاهده، انتزاع و کاربرد هوش خود در زندگی مادیش را دارد) به یمن فعالیتش در تکامل دادن به شیوه تولید مایحتاج زندگی و ورود به شیوه تولیدی سرمایه داری، تنها در ۲۰۰ سال گذشته توانسته است به ابزارهایی دست یابد که به کمک آنها توانسته است به درجه زیادی به رمز و راز طبیعت پی ببرد. اما وقتی درجه شناخت جاری بشر از طبیعت و ابزار و تکنولوژی حاصل از آن را در مقایسه با شکل کارکرد مغز انسان قرار میدهیم، بنظر می آید که ما برای شناخت مغز انسان هنوز فرسنگها (چه بلحاظ علوم و چه بلحاظ ابزار و تکنولوژی) فاصله داریم. بنابر این، معمای "چگونه میتوان فکر کرد؟" - که بنظر میاید صرفا يك خصیصه بیولوژیکی ماده باشد و در بغرنجترین شکلش مغز انسان است- معمائی است که بعید بنظر میاید در قرن جاری قابل حل باشد. حال معمای چگونگی انتقال توانائی فکر کردن به يك موجود غیر بیولوژیک (روایات) که جای خود دارد. پس از این مقدمه نسبتا طولانی - که بخشی از آن در قسمت اول این نوشته در قالب تعریف فلسفی و فیزیکی ماده مطرح شد- در این نوشته کلمه «ماده» بمعنای فلسفی آن - هر چه ذهن نیست- بکار برده میشود و هر شکل قابل مشاهده ماده با پنج حس بشری را جسم مینامیم که شامل جامد، مایع، گاز و پلازما میشود. مایحتاج مادی انسان اساسا اشیا هستند یعنی اجسام مادی. وقتی انسان بر آبنسخته ترین شکل موجودیت اجسام مادی مسلط شد، در قدم بعد این شناخت به تکنولوژی

علم، تکنولوژی و چشم انداز حذف کار - ۲

ساخت ابزار و ماشین آلاتی ترجمه میشوند که توان ساخت اجسام مادی را از سطح بافتهای اتمی آن ممکن خواهند ساخت. چگونه شناخت اتم میتواند به اتومایزاسیون یا خودکار تمام پروسه تولید بینجامد؟

کپرنیک در اواسط قرن شانزدهم میلادی با فرضیه چرخش زمین به دور خورشید شروع انقلاب علمی را کلید زد و طلایه دار علم در ختم قرون وسطی و شیوه تولید فتودالی بود. نیوتن در اواخر قرن هفدهم با اتکا به کپرنیک و گالیله، فیزیک کلاسیک و قوانین حرکت مادی را مدون کرد و بقول مارکس «جان ویات در سال ۱۷۳۵ که اختراع ماشین ریسندگی خود را اعلام و بدین وسیله انقلاب صنعتی قرن هیجدهم را آغاز کرد».^[3] در ادامه جمیز وات با توجه به نیاز کاربرد قوانین نیوتن ماشین بخار عام را در اواخر قرن هیجدهم اختراع کرد. اختراعی که امکان ساخت ابزار ماشینی، ماشین آلات تولیدی را ممکن ساخت و بهمین دلیل سوت شروع تولیدات کارخانه ای را زد. مارکس در اهمیت آن میگوید «عظمت نوع جیمزوات در بخش شرح مشخصات امتیازنامه‌ای که در آوریل ۱۷۸۴ گرفت منعکس است. در اینجا ماشین بخار وات نه اختراعی برای برآورده ساختن منظوری خاص بلکه وسیله‌ای توصیف شده است که کاربرد صنعتی عام دارد.»^[4] از کشف کپرنیک تا اختراع ماشین بخار وات دوست سال طول کشید. در ظاهرا امر هیچ ربطی بین چرخش زمین بدور خورشید و ماشین بخار وجود ندارد. اما واقعیت اینست که ماشین بخار انتهای پروسه ایست که با کشف چرخش کپرنیک آغاز شد. رشد نیروهای مولده به یمن بکارگیری ابزار جدید، زمینه عروج سرمایه داری بعنوان شیوه تولید حاکم را فراهم آورد. انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ بروز

میشود روی پوست خریزه راه میرفت. میتوانست با آگاهی کامل رهبری آن در فائق آمدن به ضعف رشد نیروهای مولده (که لازمه آزادی با پیش شرط کاهش ساعات کار بود) به پیروزی سوسیالیسم منجر شود، میتوانست با تعبیر بورژوازی از رشد نیروهای مولده شکست بخورد. پیروزی آن در نتیجه به یک طرح مشخص اقتصاد سوسیالیستی که هر دو عنصر عبارت لنین را شامل شود بستگی داشت. پیروزی به افراد گره خورده بود، افرادی که به ضعف ساختار اقتصادی واقف، به راه حل اقتصاد سوسیالیستی در روسیه کاملا مسلط و آگاه باشند و بتوانند آن را پیاده کنند. پیروزی انقلاب روسیه در نتیجه به حضور شخص و خط لنینی گره میخورد. این در خود یک نقطه ضعف انقلاب روسیه بود.

اگر چه کامپیوتر بعنوان صرف ماشین حساب از اوایل قرن بیستم وجود و کاربرد داشت، اما مایکروچیپ و در ادامه دسک-تاپ در اوایل دهه شصت اختراع شد. انقلاب صنعتی سوم با کاربرد وسیع کامپیوتر در پروسه تولید- از جمله با ساخت روباتهایی که پروسه اتومایزاسیون تولید را به کاهش قابل ملاحظه نیروی انسان ترجمه کرد. از اواسط دهه ۷۰ آغاز شد. روباتیزه کردن کار در صنایع ماشین سازی، الکترونیک و الکترونیک بیشترین کاربرد را داشت. جنرال موتورز در همکاری با جنرال الکترونیک از دهه ۷۰ میلیونها دلار صرف تحقیق و پیشرفت کارکرد روباتها کردند. شرکت سوئدی- سوئیس "ای بی بی" بتنهائی گرداننده نزدیک به دوست هزار روبات در صنعت ماشین سازی است. امروزه ژاپن پیشقراول ساخت و کاربرد روباتهاست. پس از پایان جنگ سرد و غیر محرمانه کردن اینترنت توسط ارتش آمریکا در سال ۱۹۹۰، استفاده عموم از کامپیوتر با اینترنت جوش خورد و کاربرد تکنولوژی انقلاب صنعتی جاری در سطوح سیاسی عیان شد، به ابزار فرا محله ای، فرا شهری، فرا کشوری همکاری مردم تبدیل شد. رسانه های

مردمی در مقابل رسانه های کنترل شده دولتی و خصوصی بوجود آمد. ارتباطات اجتماعی ای که تاثیر آن بر تحولاتی نظیر سازماندهی "جنبش جهانی ضد جنگ" علیه حمله دوم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ امکان بروز یافت. در ادامه شبکه های اجتماعی اینترنتی ابزاری برای سازماندهی انقلاب ۸۸ در ایران، انقلابات خاورمیانه و همچنین جنبش نود و نه درصدیها در سال ۲۰۱۱ شدند. بعبارت دیگر در یک فاصله پنجاه ساله، کامپیوتر از مرحله اختراع به ابزاری تبدیل شد که نه تنها در عرصه های علوم و کاربرد آن در بارآوری تولید کالا و خدمات که حتی در روباتی سیاسی و فرهنگی جامعه نیز با قدرت حضور پیدا کرد و تاثیر گذار بود، طوریکه کامپیوتر متصل به اینترنت در سال ۲۰۱۴ از حیات تولیدی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انسان در کره زمین جدائی ناپذیر شده است. حال، اگر به فواصل کشفیات علوم تا کاربرد عملی

آنها در صنعت نگاه کنیم، این فاصله هر بار کوتاهتر شده است. بنابراین پروسه شناخت و تسلط بر اجسام مادی که بالاتر مطرح شد لاجرم ابزار و تکنولوژی اتوماسیون تولید اشیا بر مبنای آنچه که بر آن مسلط شده است، یعنی اتم، را بوجود خواهد آورد مشروط بر اینکه سرمایه داری به طمع سود هزینه آنرا پرداخت کند. از آنجا که اتم سنگ بنای هر جسم مادیست، معنای این اتوماسیون، تولید اتومات شده هر چه که جسم است، هر چه که نیاز مادی انسان است خواهد بود. معنای زمینی این تحول، پایان لزوم کار انسان در پروسه تولید، یعنی حذف کار بعنوان نیروی مولد اشیا است.*

ادامه دارد

1- http://www.ntm.cz/data/veda-a-vyzkum/publikace/what_to_do_20_century.pdf

2- <https://www.youtube.com/watch?v=IICkgB5Mii4>

3- <http://www.kapitalfarsi.com/f15/f15-1.htm>

همانجا-4

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در
هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل
دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به
آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع
دهید.

هشت مارس روز اتحاد علیه آپارتاید جنسیتی

هشت مارس روز جهانی زن را باید به روز اتحاد سراسری برای برکندن ریشه آپارتاید منحوس جنسیتی توسط حکومت اسلامی تبدیل کنیم. جمهوری توحش اسلامی باید گوش را گم کند. این حکومت وصله ای ناجور و نجسب به تن بشریت است.

۳۵ سال است که جنگی آشکار و نهان در مقابل سیاستهای ضد زن ارتجاع از گوربرخاسته حاکم در ایران در جریان است. این پژواک جنبش جهانی زنان است که در داد و فغان هرروزه کار بدستان فسیل حاکم از برباد رفتن اسلام و حجاب و "عفاف اسلامی" بازتاب می یابد. این پژواک مقاومت زنان و دختران است که حاکمین اسلامی و دولت "امید و اعتدالشان" را وامیدارد که هرروز طرحی تازه برای کنترل زنان و دختران و حتی کودکان تحت عنوان "طرح محرم سازی مدارس" و طرح "تعالی خانواده" و "طرح

تفکیک جنسیتی در دانشگاهها" و "طرح عفاف و حجاب" پیش بکشند و لشکر مزدور اسلام را برای کنترل زنان و دختران به خیابانها بکشانند. اینان طی این ۳۵ سال بهمراه تمام جنایات دیگر، شقاوت و جنایات غیر قابل وصفی در حق زنان و دختران مرتکب شده اند. اما هرروز اعتراف میکنند که نتوانسته اند زنان را در زنجیر و قید و بندهای وحشیانه و عقب مانده اسلامی به بند بکشند. هر روز و هر لحظه در جایی از این مملکت زنانی پا به میدان میگذارند و قوانین و خط قرمزهای این حکومت را به سرخه میگیرند. بی حجابی و "بدحجابی" در خیابانها، تجمعات و مهمانیها و جشنهای مختلط زن و مرد، درگیر شدن زنان با ماموران "امر به معروف و نهی از منکر"، طومارهای اعتراضی علیه طرحهای ضد زن رژیم، مقاومت دانشجویان دختر و پسر در

برابر جداسازیها، هجوم دختران به سوی ورزشگاهها، و تن ندادن به جداسازیها در اماکن عمومی و امثال اینها گوشه کوچکی از آن مبارزه و مقاومت گسترده ای است که علیه حکومت آپارتاید جنسیتی در ایران هرروز و هر لحظه در جریان است.

زنان و مردان آزاده!
هشت مارس امسال را باید به روز عزم و اتحاد برای گسترش هرچه بیشتر این موج مقاومت تبدیل کنیم. زن و مرد اعلام کنیم که ستم و تحقیر و تبعیض و آپارتاید جنسی را نمی پذیریم. نشان دهیم که به این حد از مقاومت و مبارزه قانع نیستیم و همگی مصممیم به کل سیستم پوسیده ضد زن در اشکال مختلف هجوم ببریم. آپارتاید جنسی در اول قرن بیست و یکم ننگ بشریت است. باید هرچه زودتر آنرا از ریشه کند و به زیاله دان انداخت.

هشت مارس روز ماست. فضای هشت مارس را باید در سراسر جامعه جاری کرد. این روز را در همه جا و به هر شکلی که میتوانیم گرمای بداریم. باید این روز را به خاری در چشم حاکمین اسلامی سرمایه

تبدیل کنیم. از هم اکنون به استقبال هشت مارس بروید! هر جا که میتوانید تجمع کنید! جشن بگیرید! میتینگ و سخنرانی بگذارید. قطعنامه و بیانیه بدهید. از حرمت و منزلت زنان دفاع کنید! به آپارتاید جنسیتی اعتراض کنید. به طرحهای ضد انسانی نظیر "طرح تعالی خانواده" و "طرح ازدواج با دختر خوانده" و طرح تفکیک جنسیتی و ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه اعتراض کنید و خواهان لغو همه این طرحهای عهد عتیقی و ضد انسانی شوید! حجاب اسلامی را دور بیندازید! اعلام کنید که زن و مرد انسانند و در همه حقوق و شئون اجتماعی با هم برابرند.

با شعار نه به تبعیض و نابرابری، نه به آپارتاید جنسیتی و حجاب اسلامی، پرچم جهانی زن از قوانین و سنتها و کل حکومت اسلامی سرمایه داران را بلند کنیم و با صدای رسا از حقوق برابر زن و مرد دفاع کنیم.

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ بهمن ۱۳۹۲، ۱۸ فوریه ۲۰۱۴

چنین حکومت میکنند! با سپر و اسلحه و طناب دار، حتی از کودکان نیز زهر چشم میگیرند!

یک هفته پیش هیچ اطلاعی در دست نیست.

محمود شهبخش از حدود یک هفته پیش از بند ۱ زندان مرکزی زاهدان به مکان نامعلومی منتقل شد و از آن زمان از وضعیت وی هیچ اطلاعی در دست نیست.

گفته می شود وی به اتهام محاربه و اقدام علیه امنیت کشور به اعدام محکوم شده ولی اطلاع دقیقی از اتهامات و استنادات دادگاه برای صدور حکم اعدام برای وی در دست نیست

سه شنبه ۲۹ بهمن ماه - ۴ اعدام در قزوین کرمان اعدام ۴ نفر

۴ نفر به اتهام حمل و نگهداری ۷۰۳ کیلو تریاک و ۲۳ کیلو هروین اعدام شدند. طی احکام صادره از سوی شعب دوم و سوم دادگاه انقلاب اسلامی کرمان، ۴ نفر در محوطه زندان مرکزی کرمان به دارآویخته شدند.

اعدام دو متهم مواد مخدر در زنجان در پایان اطلاعیه این فراخوان داده شده:

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند به این موج وحشتناک اعدامها در ایران بهر طریق ممکن اعتراض کنند. جمهوری اسلامی ایران با شدت گرفتن جنگ و دعوای درونی خودش و با وحشت از آغاز شورش مردم در ایران، باز هم بیشتر میکشد. باید به این آدمکشی جمهوری اسلامی اعتراض کنیم.

شیراز اعدام دو نفر در ملاعام کرج - اعدام دو جوان در ملاعام دوشنبه - اعدام دو نفر به اتهام قتل عمد در نوشهر

سه شنبه - اعدام ۸ نفر در زندان قزل حصار سحرگاه روز سه شنبه ۸ زندانی متهم به قاچاق مواد مخدر در زندان قزل حصار کرج اعدام شدند و تا کنون تنها جسد یک تن از ایشان مرتضی لطافت به خانواده تحویل شده است.

علی اصغر (امیر) خدادوست ۳۶ ساله، علی زربوش ۲۹ ساله که جنازه اش را به کرمانشاه فرستادند ولی هنوز تحویل خانواده نشده است، علی افخمی ۲۲ ساله، عادل کرمی ۳۰ ساله، مرتضی لطافت ۳۳ ساله که جنازه اش تحویل خانواده شد، محمد خالقی ۳۳ ساله، علی دبیریان ۳۵ ساله، علی اصغر کیان ۴۱ ساله اسامی اعدام شدگان روز سه شنبه بودند.

بی خبری از وضع یک فعال سیاسی محکوم به اعدام در زندان مرکزی زاهدان از وضعیت محمود شهبخش زندانی محکوم به اعدام در زندان مرکزی زاهدان از

است حکومت دزدان و قاتلین حرفه ای و بیرحم، حکومت فاشیسم عریان! اطلاعیه این خبر را از رسانه های جمهوری اسلامی نقل می کند: فردا قرار است ۱۵ نفر در جایی شهر اعدام شوند!

بله تا چند ساعت دیگر در ایران و در رجایی شهر این زندان مخوف و قرون وسطایی قرار است ۱۵ نفر را اعدام کنند. این زندانیان از بندهای مختلف زندان رجایی شهر کرج جهت اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شدند و قرار است سحرگاه روز چهارشنبه حکم اعدام در مورد ایشان به اجرا در آید. طبق خبر اتهام اکثر این افراد قتل است.

ایران، قصابخانه، حکومت اسلامی است. از دوشنبه تا سه شنبه یعنی فقط در یک روز اخبار حاکی از اعدام ۲۰ نفر در زندانهای ایران است.

همچنین خبر چندین اعدام در این اطلاعیه آمده است: شنبه ۲۶ بهمن ماه: چهار اعدام در ملاعام، شیراز و گلشهر کرج

کمیته بین المللی علیه اعدام در روز ۲۹ بهمن (۱۸ فوریه) در اطلاعیه ای خبر از اجرای احکام اعدام در روزهای اخیر داد. در این اطلاعیه آمده است:

مشتی جلا و جانی حاکم بر ایران، با انجام مراحل "قانونی" و با خواندن ورد و دعا و قران سحرگاهان خونین که این روزها هر روز در ایران خونین است، با سلام و صلوات جوانان را پای چوبه دار میسیرند، با امضا اصلی لاریجانی و با اعلام این امضا از بلندگوهایشان، جوانان رامیکشند و سپس رو به مردم و یا حتی کودکان حاضر در این مراسم شنیع کرده و اعلام میکنند که این حکومت از موجودیت خود در مقابل نفرت و انزجار عمومی شما مردم، چنین دفاع میکند.

یک نفر را به اتهام دزدی چند هزار تومانی اعدام میکنند و در بغل دستشان میلیاردها دلار پول جابجا و دزدیهای نجومی برملا میشود، این نوع پرونده های مربوط به خودیها را سالها ادامه داده و در نهایت با احترام دزدها را به کشورهای امن بدرقه میکنند. این حکومت اسلامی ایران

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

ما میتوانیم درهای استادیوم ها را در ایران به روی زنان باز کنیم!

جمهوری اسلامی زیر فشار خرد کننده اعتراض است.
اعتراض در داخل و در سطح بین المللی.



فیفا و دیگر نهادهای بین المللی ورزش را نیز به خود جلب کرده است. در نشست روز چهارشنبه ۱۲ فوریه با مقامات فیفا آنها گفتند که مجدداً به جمهوری اسلامی اعتراض خواهند کرد و در بیانیه هشت مارس این موضوع را طرح و خواهان پاسخ از سوی حکومت اسلامی خواهند بود.

فشارها نتیجه میدهد و مقامات حکومت اسلامی از مزیت های ورود زنان به استادیوم ها حرف میزنند. باید فشار را گسترش دهیم. باید رژیم اسلامی را وادار کنیم در آستانه هشت مارس و قبل از مسابقات جام جهانی فوتبال در برزیل این محدودیت را لغو کند. این امکان پذیر است.

فتنه (جنبش برای رهایی زن)
۱۸ فوریه ۲۰۱۴

تمهیداتی در زمینه ورود و خروج و محل استقرار آنان، می توان امکان حضور زنان را در استادیوم های فوتبال فراهم کرد. این آغاز يك عقب نشینی است که میتواند با گسترش اعتراضات ما منجر به باز شدن در استادیوم ها برای زنان شود و سیاست آپارتاید جنسی در این زمینه را عقب براند.

ممنوعیت ورود زنان به استادیوم ها همواره يك موضوع جنگ و جدال زنان با حکومت ضد زن اسلامی بوده است. این اعتراضات باعث شده که اکنون فیفا (فدراسیون جهانی فوتبال) و همچنین کنفدراسیون فوتبال آسیا و همه مقامات فیفا به آن اعتراض کنند.

جمهوری اسلامی ایران زیر فشار خرد کننده اعتراض و ابراز نفرت از این آپارتاید مشمئز کننده جنسیتی در ایران از سوی زنان و مردان آزاده بوده و این فضای اعتراضی، توجه مسئولین

دو روز بعد از نشست نمایندگان فتنه (جنبش برای رهایی زن) و کمیته ندا دی با مسئولین بالای فیفا، خبر رسید که طاهره طاهریان، مشاور امور ورزش دختران و زنان در معاونت امور زنان و خانواده در نهاد ریاست جمهوری از مزایای حضور زنان در ورزشگاهها از جمله استادیوم های فوتبال سخن گفته است.

همزمان رضا اقتخاری (دبیرکل سابق فدراسیون فوتبال) و رییس کنونی کمیته فوتبال) از تقاضای نامه ای خبر داده که توسط او و روسای سه فدراسیون والیبال، بسکتبال و هندبال برای آزادی ورود زنان به ورزشگاهها، به ویژه فوتبال تنظیم شده تا به نهاد رئیس جمهوری حکومت اسلامی ارسال شود. به نوشته ایسنا خانم طاهریان گفته است که "حضور بانوان در ورزشگاههای فوتبال مردان دارای ۱۷ خوبی و شش، هفت عیب است که با اندیشیدن